رندان تشنه لب را، آبي نمي‌دهد كس

گويي ولي شناسان رفتند از اين ولايت

در اين شب سياهم، گم گشت راه مقصود

از گوشه‌اي برون آي، اي كوكب هدايت

امام محمّد باقر عليه‌ السّلام پنجمين اختر فروزان آسمان امامت و هفتمين گوهر عرش عصمت است. او شكافنده و تبيين كننده علوم اسلامي است. امامي كه سراسر زندگي‌اش نور بود و همه لحظات عمر با بركتش، در راه ارشاد و هدايت انسان‌ها صرف شد.

امامي كه از زمينه سازي‌هاي پدرش امام سجاد عليه ‌السّلام در راستاي معرفي مكتب تشيع و مبارزه با طاغوت‌ها، بهره‌برداري بسيار كرد. وي با تربيت شاگردان برجسته و تبيين فقه ناب اسلام و اهل‌بيت عليه‌السّلام بزرگ‌ ترين قدم را براي شناسايي تشيّع و مكتب اهل بيت عليه‌السّلام برداشت. در كربلا و ماجراي عاشوراي حسيني، با چهار سال سنّ حضور داشت. در سفر كوفه و شام، همراه پدر، همه ماجراها را ديد و بر اساس فرهنگ عاشورا تربيت شد.

او تجسّمي از ارزش ‌هاي والاي انساني و كمالات اخلاقي بود. همه لحظه‌هاي زندگي درخشانش، درس‌هاي بزرگ انساني را الهام مي‌بخشيد. بي شك، آشنايي با سيره علمي، تربيتي، سياسي و اخلاقي آن امام همام عليه‌ السّلام، راهنماي خوبي براي ما در مسير پر پيچ و خم زندگي است. (2)

**سيره علمي امام باقر عليه‌ السّلام**

زندگي امام باقر عليه ‌السّلام مصادف با دوران پر تلاطم زوال بني اميه بود. به دليل شرايط خاصّ آن زمان ايشان از نظر سياسي در انزوا بود. هر چند اعتراض هاي حضرت عليه‌ السّلام، با اين كه در اين راه تا سر حدّ شهادت رسيد، به صورت يك نهضت سياسي همه جانبه براي سرنگوني رژيم بني اميه نيانجاميد. ‌ حضرت عليه‌ السّلام دريافته بود فرهنگ تشيع در انزوا قرار دارد، از اين رو لازم بود به يك انقلاب وسيع فرهنگي دست بزند. وي توانست با تشكيل حوزه علميه و تربيت شاگردان برجسته، فقه آل محمّد صلّي ‌الله ‌عليه ‌و آله و سلّم و خط فكري تشيع را آشكار کند. ‌بر همين اساس امام باقر عليه ‌السّلام زمينه‌سازي بسيار عميق و خوبي در اين راستا نمود و پس از ايشان، فرزند برومندش امام صادق عليه ‌السّلام با تشكيل حوزه علميه با چهار هزار نفر شاگرد، آن را به ثمر رسانيد و يك دانشگاه عظيم اسلامي در تاريخ اسلام آشكار و ماندگار شد. (3)

‌بنابراين، مي‌توان گفت؛ امام باقر عليه‌ السّلام مؤسس و بنيان گذار حوزه علميه شيعه و نهضت فرهنگي انقلاب فرهنگي تشيع بود. (4)

**حكومت و سياست در سيره امام باقر عليه‌ السّلام**

با وجود تمام سخت گيري هاي بني اميه، امام باقر عليه ‌السّلام به تبيين معارف اهل بيت عليه‌ السّلام مي پرداخت و از تبيين جايگاه امامت و ولايت در اسلام كه به معناي زعامت و تصدي امر است، دست بر نمي داشت. ‌زراره، يكي از اصحاب امام باقر عليه‌ السّلام حديثي را از ايشان روايت مي‌كند كه امام عليه‌ السّلام در تشريح مباني اسلام فرموده است: « ... بني الاسلام علي خمسة اشياء؛ علي الصلوة و الزکاة و الحجّ و الصوم و الولايه. ... اسلام بر پنج چيز استوار است، بر نماز و زکات حجّ و روزه و ولايت (رهبري اسلامي) ».

عرض كردم: كدام يك از اين مباني برتر است؟!.

حضرت عليه‌ السّلام فرمود: « ... الوِلايَةُ اَفْضَل؛ لِاَنَّها مِفْتاحُهُنَّ. وَالواليُ هُوَ الدَّليلُ عَلَيهِنَّ؛ ... ولايت و رهبري برتر است. زيرا كليد و راه گشاي مباني ديگر است و اين رهبر؛ راه نماي مباني ديگر است. (5)

‌با اين وجود امام باقر عليه‌ السّلام به تبعيت از جدّ بزرگوارش امام علي عليه‌السّلام هر جا كه احساس مي‌كرد، كيان كشور اسلامي و آبروي اسلام در خطر است، خلفا را از راهنمايي و ارشاد‌هاي خود محروم نمي‌کرد. (6)

**سيره عملى امام باقر عليه‌ السّلام**

زندگي امامان معصوم عليهم السّلام، همواره الگوي شيعيان در زندگي است. در حقيقت آن گونه كه از قول معصوم ‌عليه‌السّلام بر مي‌آيد؛ عمل به گفتار و تبعيت از كردار ايشان، به نوعي بيان گر ميزان دوستي و نشان گر محبّت به ايشان باشد. (7)

با بررسي محدود در زندگي حضرت امام باقر(ع) به موارد زير اشاره مي شود:

**1- حلم امام:**

لقب امام ‏عليه السّلام باقر به معنى شكافنده است. آن حضرت باقر العلوم، يعنى؛ "شكافنده ‏ى دانش ها" بود.

مردى مسيحى از روى كينه‏اى كه با امام ‏عليه السّلام داشت، كلمه باقر را به بقر تغيير داد. به آن حضرت(ع) گفت: انت بقر.

امام ‏عليه السّلام بدون آن كه از خود ناراحتى نشان دهد و اظهار عصبانيّت كند با كمال سادگى فرمود: « ... نه! ... من بقر نيستم، من باقرم‌‌‌ ».

مسيحى گفت: تو پسر زنى هستى كه آشپز بود.

امام فرمود: « ... شغلش اين بود، عار و ننگى محسوب نمى ‏شود.

مسيحى گفت: مادرت سياه و بى شرم و بد زبان بود.

امام فرمود: « ... اگر اين نسبت ها را كه به مادرم مى ‏دهى راست است، خدا او را بيامرزد و از گناهانش بگذرد. اگر دروغ است از گناه تو بگذرد كه دروغ و افترا بستى.(8)

**2- كمك به اقوام:**

خدمت كار امام(ع) "سلمى" ‏گويد: هر وقت بعضى برادران حضرت(ع) به عنوان ميهمان به محضر آن بزرگوار شرفياب مى ‏شدند، امام ‏عليه السّلام با بهترين غذا ها از آن ها پذيرايى مى ‏كرد. لباس بر آن ها مى ‏پوشانيد. مقدارى پول در اختيارشان مى ‏گذاشت.

عرض كردم علّت اين كه اين مقدار به اين ها كمك مى ‏كنيد چيست؟!.

حضرت(ع) ‏فرمود: « ... يا سلمى! ... ما حسنة الدنيا الاصلة الاخوان و المعارف ... يعنى؛ ... اي سلمى هيچ كار نيكى بهتر از رسيدگى به برادران و آشنايان نيست.

**3- كمك به خدمت كاران**:

امام صادق ‏عليه السّلام فرمود: « ... پدرم چون خدمت كاران خود را به كارى فرمان مى ‏داد خويشتن مى ‏آمد و نظاره مى ‏نمود. اگر آن كار دشوار و سنگين بود مى ‏فرمود: "...بسم الله..." و خود با ايشان به آن كار اشتغال مى ‏ورزيد.

**4- اكرام سائل:**

نقل شده كه هرگز از خانه ى امام باقر عليه السّلام در جواب سائل شنيده نمى‏شد كه بگويند؛ ... اي فقير ... يعنى؛ از روى خفت و حقارت نام سائل را نمى ‏برد. آن حضرت(ع) فرمود: « ... سمّوهم باحسن اسمائهم ... يعنى؛ ... سائل را به بهترين اسامى ايشان نام ببريد.

**5- كثير الذكر:**

امام صادق‏ عليه السّلام فرمود: « ... پدرم كثير الذكر بود. به حدّى ذكر مى ‏كرد كه گاهى با او راه مى ‏رفتيم مي ديدم، ذكر خدا مى‏كند. با او طعام مى ‏خورديم، او ذكر خدا مى‏كرد. با مردم صحبت مى‏كرد، ذكر مى ‏كرد. پيوسته مى ‏ديدم ذكر؛ "لا اله الا الله ... " بر زبان داشت. ما را نزد خود جمع مى ‏كرد و مى ‏فرمود؛ تا طلوع آفتاب ذكر كنيم. پيوسته امر به قرائت قرآن مى ‏فرمود.

**6- سلام بر همه:**

حضرت امام باقر عليه السّلام را به شام، سوى هشام بن عبدالملك بردند. حضرت (ع) به دربار هشام بن عبدالملك رسيد.

هشام به اصحاب خود گفت: چون ديديد من محمّد بن على را توبيخ كردم و ساكت شدم، شما يك به يك او را توبيخ كنيد.

هشام بن عبدالملك به حضرت(ع) اجازه ورود داد.

امام باقر عليه السّلام وارد شد. با دست به همگان اشاره كرد و فرمود: « ... السّلام عليكم ». همگان را مشمول سلام خود ساخت. بنشست و هشام بن عبدالملك را به عنوان خليفه خطاب سلام خود قرار نداد.

**7- دعا:**

امام صادق ‏عليه السّلام ‏فرمود: « ... هر گاه پدرم را امرى محزون مى‏كرد، زن ها و اطفال خود را جمع مى ‏كرد. دعا مي كرد و ايشان آمين مى ‏گفتند.

**8- زحمت در طلب رزق:**

در گرماى شديد تابستان امام(ع) را در حال خستگى شديد در انجام كارى ديدند. گمان ‏كردند امام (ع) خود را براى طلب دنيا اين گونه به زحمت انداخته است. لذا به امام ‏عليه السّلام ‏گويند؛ آيا سزاوار است مرد شريفى مثل شما در اين گرماى طاقت فرسا در طلب دنيا بيرون بيايد؟!. اگر خداى نخواسته در اين حال مرگ، شما را فرا رسد چه وضعى براى شما پديد خواهد آمد؟!. شايسته نيست شما به دنبال دنيا برويد و خود را به رنج و زحمت بيندازيد.

امام‏ عليه السّلام فرمود: « ... اگر مرگ من در همين حال برسد و من بميرم در حال عبادت و انجام وظيفه از دنيا رفته‏ ام. زيرا اين كار، عين طاعت و بندگى خداست. آيا خيال كرده ‏ايد؛ عبادت منحصر به ذكر و نماز و دعاست. من زندگى و خرج دارم. اگر كار نكنم، بايد دست حاجت به سوى ديگران دراز كنم. من در طلب رزق مى ‏روم تا احتياج خود را از ديگران سلب كنم. بايد وقتى از رسيدن مرگ هراسان باشم كه در حال معصيت و خلاف كارى و تخلّف از فرمان الهى باشم، نه در چنين حالى كه در حال اطاعت امر حقّ هستم و او مرا موظّف كرده است تا بار دوش ديگران نباشم. رزق خود را خودم، تحصيل كنم ». (9)

**سيره اخلاقي امام باقر عليه‌ السّلام**

‌روايات بسياري از رسول اکرم صلّي ‌الله ‌عليه ‌و آله و سلّم، امامان و ائمه اطهار عليهم‌ السّلام تصريح مي کنند؛ " ... اخلاق نيکو بخش عمده ايي از دينداري است". حتّي نبي مکرم اسلام صلّي ‌الله ‌عليه ‌و آله و سلّم در حديثي ياد آوري کرده است که ايشان براي تکميل مکارم اخلاقي مبعوث شده اند. (9)

‌اخلاق نيکو در کنار ايمان به خداوند و روز حساب، اقامه نماز، پرداخت زکات و انفاق مال در راه خدا و شکيبايي در مصايب از صفات برجسته نيکوکاران، راستگويان و پرهيزگاران است. (10)

‌جامعه اسلامي آن گاه بر راه درست گام برمي دارد و آن زمان شايسته اين صفت (اسلامي) خواهد بود که بيش از هميشه بر طريق اخلاق انساني گام بردارد؛ چون موازين اخلاقي براي فرد هم چون قوانين براي جامعه است. جامعه بي‌ قانون با انسان بي‌ اخلاق برابر است. هر دو بر آشفته‌، غير قابل اعتماد و راکد‌اند و هر دو رو به سوي قهقرا خواهند رفت.

‌بهتر آن است با توجّه به روزهايي چنين خوش که شادي را از ميلاد امام محمّد باقر عليه‌ السّلام به عاريت گرفته است، به اين اصل اساسي در سخنان عالم خاندان علم و امامت امام محمّد باقر عليه ‌السّلام بپردازيم.

نيکو گفتاري با ديگران

‌بهترين چيزي را که دوست داريد درباره شما بگويند، در باره مردم بگوييد. (11)

امام محمّد باقر عليه‌السّلام پنج نکته را سفارش فرمود:

1. اگر مورد ستم واقع شدي ستم مکن

2. اگر به تو خيانت کردند خيانت مکن.

3. اگر تکذيبت کردند خشمگين مشو.

4. اگر مدحت کنند شاد مشو.

5. اگر نکوهشت کنند بي تابي مکن. (12)

اين نکات را نه تنها شکيبايي که استقامت بزرگ مي توان ناميد. مردمي که در مناسبات متقابل با يک ديگر اين موارد را رعايت کنند: حقوق ديگران را مانند حقوق خود محترم داشته، بر آن دل بسوزانند. فروتني را پيشه خويش ساخته از غرور و جدال بپرهيزند و در کنار اين سه شکيبايي به خرج دهند به طور مطمئن درِ دنيايي زيبا و جامعه اي سالم را به روي خويش خواهند گشود و پس از آن ما ناظر مشاجره و برخوردهاي رانندگان درخيابان ها، مردم در صف ارزاق و ديگر صحنه هاي دل آزار نخواهيم بود. (13)

‌اميد است با بهره گيري از سيره اين امام همام عليه‌ السّلام در همه مراحل زندگي، يك زندگي سالم، همراه با روشن بيني و بصيرت بنا كنيم. با زمينه سازي و انتظار ظهور حجّت راه را براي تشكيل حكومت عدل الهي هموار سازي کنیم

**چگونگی شهادت**

هشام، خلیفه و حاکم زمانِ امام باقر علیه ‏السلام ، یکی از نزدیکانش را مامور کرد تا امام باقر علیه ‏السلام را شهید کند، آن مرد بدکار هم حضرت باقر علیه ‏السلام را مسموم کرد و باعث شد تا امام، در روز دوشنبه هفتم ذی حجه سال 114 هجری، در شهر مدینه به شهادت رسید. آن حضرت 57 سال در این جهان زیست. از این مدت چهار سال با جدش امام حسین علیه السلام و پس از وی 35 سال با پدرش زندگی کرد و 18 سال بقیه عمرش را به تنهایی به سر برد.

**مرقد مطهر امام باقر علیه السلام**

قبر نورانی حضرت باقر علیه ‏السلام ، در کشور عربستان و در شهر مدینه در قبرستان بقیع قرار دارد. هر سال، حاجیان زیادی در این قبرستان، بر سر مزار چهار امام غریبی که آنجا دفن شده اند، حاضر می شوند. امام حسن مجتبی علیه ‏السلام ، امام سجاد علیه ‏السلام ، امام باقر علیه ‏السلام و امام صادق علیه ‏السلام ، چهار امامی هستند که در کنار هم و در قبرستان بقیع دفن می باشند